

آخرین رییس دیوان عالی کشور رژیم پهلوی

پروفسور سیدحسن امین

قاضی اسبق دادگستری ایران

استاد پیشین کرسی حقوق دانشگاه گلاسگو کالیفرنیا

دادگستری آذربایجان عین مایع را به صادق احمدی (وزیر دادگستری وقت) گزارش می‌کند. او را به تهران احضار می‌کنند و هنگامی که وی در وقت مقرر نزد وزیر می‌رود، دکتر یگانه که با اطلاع قبلی در آن نشست حضور دارد، به رییس دادگستری مزبور می‌گوید که شما نباید در موضوع مهمی مثل خانه‌های انصاف که از اصول انقلاب سفید است، گزارش ناکارآمدی آن‌ها را به عرض می‌رسانید. رییس دادگستری می‌گوید که من قاضی دادگستری‌ام و نه وزیر و سناتور و لذا خود را موظف می‌دانم که در حوزه‌ی قضایی خودم، تنها آن‌چه واقعیت است، گزارش کنم و هر آن‌چه راست و درست بوده است، در پاسخ پرسش اعلی‌حضرت به‌عرض رسانده و به وزیر دادگستری هم گزارش کرده‌ام. دروغ هم نگفته‌ام. در این وقت، وزیر دادگستری به کمک قاضی یاد شده آمده و می‌گوید: اشکالی ندارد، از ده نفر روسای دادگستری استان‌ها، نه نفر گزارش داده‌اند که خانه‌های انصاف کارآمد است، بگذارید یک نفر هم گفته باشد که کارآمد نیست. سرانجام وزیر دادگستری، قاضی مزبور را با پرداخت پاداش و هزینه‌ی سفر به محل خدمت بازگرداند.

پس از شروع انقلاب، دکتر حسین نجفی که در کابینه‌ی مهندس شریف امامی و ارتشید غلام‌رضا ازهاروی وزیر دادگستری شد، کوشید که در مقام تمهید مقدمات محاکمه‌ی هویدا در دیوان عالی کشور، دکتر یگانه را از سمت ریاست دیوان کشور که البته در مقام بالاترین قاضی نشسته‌ی ایران کسی به‌خلاف میل خود او، قادر به تغییر سمت او نیست، به شغلی دیگر منتقل کند و به‌همین دلیل دکتر نجفی در دی ماه ۱۳۵۷ از محمدرضا شاه درخواست کرد که با پیشنهاد شغل مناسبی به دکتر یگانه او را از ریاست دیوان عالی کشور بردارد. شاه در پی این درخواست موافقت کرد که دکتر یگانه به‌سمت سفیر ایران به یونسکو برود. اما دکتر یگانه (ظاهراً به‌دلیل علاقه‌مندی به سرنوشت هویدا که در آن تاریخ زندانی بود)، به این پیشنهاد، پاسخ رد داد.

این نیز گفتنی‌ست که نه تنها دکتر یگانه، بلکه خود هویدا هم پیشنهادهایی را که برای رفتن به خارج به او عرضه می‌شد، رد می‌کرد و گویا اسناد و مدارک زیادی هم برای تبرئه‌ی خود و اثبات مجرمیت رقیبان و معارضان خودش (بویژه اسدالله علم) از یک‌سوی و کمک‌ها و ارتباطات حسنه‌اش با بعضی روحانیون از سوی دیگر فراهم آورده بود. ظاهراً هویدا حتی پس از انقلاب هم هنوز امیدوار بود که به او فرصتی داده شود که همان اسناد و مدارک را به دادگاه انقلاب ارائه دهد و خود را تبرئه کند. به‌هر حال، قصد هویدا از انتصاب غیرقانونی دکتر یگانه به

□ دکتر ناصر یگانه آخرین رییس دیوان عالی کشور رژیم محمدرضا شاه پهلوی در ۱۳ آبان ۱۳۷۲ در ایالات متحده‌ی آمریکا خودکشی کرد. او که از اعیان‌زادگان قزوین بود، پس از شهریور ۱۳۲۰ وارد دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران شد و پس از اخذ لیسانس حقوق قضایی برای ادامه‌ی تحصیل به فرانسه رفت و در آن‌جا دکتری حقوق گرفت. در مراجعت به ایران به سمت «امین صلح» در دادگستری استخدام شد و چند سال پس از آن به‌دلیل پژوهشی شایسته در حقوق تطبیقی، در سن جوانی به مقام «مدیر کل حقوقی» وزارت دادگستری رسید.

دکتر ناصر یگانه به پایمردی امیرعباس هویدا (نخست‌وزیر وقت) برخلاف مقررات به سمت ریاست دیوان عالی کشور منصوب شد؛ زیرا برابر ماده‌ی ۲۸ قانون اصول تشکیلات دادگستری، ریاست دیوان عالی کشور باید از میان رییسان شعبه‌های دیوان عالی کشور (و یا وزیران سابق دادگستری که سابقه‌ی خدمت قضایی در دیوان کشور داشته باشند)، انتخاب شود و دکتر یگانه چنین سابقه‌ی نداشت. لذا برای حفظ صورت ظاهر یعنی تنها از جهت فرمالیته و تشریفات، ابلاغ چند روزه‌ی برای دکتر یگانه به‌ریاست یکی از شعب دیوان کشور صادر کردند و به استناد آن اسم بی‌مسماً و صورت بی‌معنا، محمدرضا شاه او را به سمت ریاست دیوان کشور منصوب کرد.

به‌هنگام این انتصاب، دکتر یگانه سناتور انتصابی بود و پیش از آن هم مشاور و معاون پارلمانی نخست‌وزیر (هویدا) و عضو دفتر سیاسی حزب ایران نوین (به دبیر کلی هویدا) بوده و با هویدا بسیار نزدیک شده بود. به‌نظر می‌رسد که با توجه به این‌که قانوناً محاکمه‌ی نخست‌وزیران و وزیران باید در دیوان عالی کشور صورت گیرد، هویدا که احتمال می‌داده است روزی او را از صدارت خلع کنند و پرونده‌ی کیفری او به‌دیوان کشور برود، خواسته است با انتصاب دوست مورد اعتماد و وفاداری مانند دکتر یگانه، خطرات احتمالی را از خود دفع کند.

یکی از روسای شعب دیوان عالی کشور برای من نقل کرد که محمدرضا شاه پهلوی در بازدید رسمی از تبریز در صف مستقبلین از ایشان (در سمت رییس دادگستری استان آذربایجان شرقی) از اوضاع دادگستری استفسار کرده و مخصوصاً از وضع شوراهای داوری و خانه‌های انصاف پرسیده است. رییس دادگستری آذربایجان در پاسخ می‌گوید که شورای داوری خوب است، ولی خانه‌های انصاف به‌دلیل بی‌سوادی مردم روستاها و فنی‌بودن وظایف آن‌ها، نتیجه‌بخش نبوده است. شاه اندکی از این پاسخ صریح ناخرسند می‌شود. رییس

یادی از دکتر حسین غفوری

در انجمن مفاخر خراسان بزرگ

مهندس حجت حیدری

نشست دی‌ماه انجمن مفاخر خراسان بزرگ در روز ۱۶ دی ۱۳۸۵ در دفتر دایرةالمعارف ایران‌شناسی با حضور قریب به پنجاه نفر از اهالی فرهنگ و هنر برگزار گردید و در آغاز جلسه آقایان پروفیسور سیدحسین امین، احمد سمیعی، حسن نراقی، شرف‌الدین، طوسی ذکر خیری از دکتر حسین غفوری کردند. خلاصه‌ی سخنان افتتاحیه‌ی پروفیسور امین در این نشست چنین بود:

دوست فرهیخته و همشهری نجیب‌الطرفین ما دکتر سیدحسین غفوری در دومین هفته‌ی دی ۱۳۸۵ از جهان درگذشت. او در ۱۳۱۴ در سبزوارمتولد شد. پدرش مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج میرزا محمدرضا غفوری سبزواری از سادات و علمای اصیل سبزواری و مادرش دختر مرحوم آیت‌الله حاج میرزا احمد آشتیانی (متولی مسجد و مدرسه‌ی مروی) از علما و روحانیون درجه اول تهران بود. غفوری از چهره‌های فرهنگی مجهول‌القدر کشور، اهل فلسفه (متماایل به فلسفه‌ی آلمانی)، فارغ‌التحصیل اقتصاد از آلمان و بدبین و دیرباور بود. من از او به ابوالعلاء معری وقت تعبیر می‌کردم. مردی با آگاهی‌های وسیع، بسیار کتاب‌خوانده و به تعبیر دوست مشترکمان آقای حسن نراقی (نویسنده‌ی جامعه‌شناسی خودمانی)، «دایرةالمعارف زنده» بود. کتاب‌خانه‌یی ارزنده داشت. انسانی والا و به انسانیت و کمک‌رسانی به دیگران باورمند بود. به صنعت عشق می‌ورزید و عمر و سرمایه‌اش را در این راه صرف کرد. همه‌ی عمر مجرد زیست. خود سال‌ها از مادر بیمارارش پذیرایی و

پرستاری کرد. پس از این مراسم یادبود، شعرخوانی و موسیقی برگزار شد.

نشست‌های این انجمن در سومین شنبه‌ی هر ماه از ساعت ۵/۳۰ تا ۸/۳۰ بعدازظهر در دفتر دایرةالمعارف ایران‌شناسی (واقع در تقاطع فلسطین و انقلاب، ساختمان مهر، شماره‌ی ۲) برگزار می‌گردد. مقدم همه‌ی علاقه‌مندان به شعر و ادب و موسیقی (اعم از خراسانیان و غیرخراسانیان) را گرمای می‌داریم.



ریاست دیوان عالی کشور، داشتن یک تن از دوستان مورد اعتماد در مقام قاضی پرونده‌اش در صورت تعقیب او در دیوان عالی کشور بود. اما خود او بی‌آن‌که فرصتی برای بیان مواضع یا مدافعات خود پیدا کند، کشته شد و یگانه هم به زندان افتاد. پس از انقلاب به‌جای دکتر ناصر یگانه، مهدی سجادیان به ریاست دیوان عالی کشور رسید؛ البته پس از چندین قضات، کارمندان و مستخدمین انقلابی وزارت دادگستری، سجادیان رییس جدید دیوان عالی کشور را به اتاق مخصوص ریاست دیوان راه ندادند. با پیروزی انقلاب، شهید دکتر محمدحسین بهشتی که هیچ سابقه‌ی قضایی نداشت، ولی از مغزهای متفکر و متشخص انقلاب بود، در سمت ریاست دیوان مستقر شد و در این سمت خدماتی نیز در آن جو قهرآمیز و پُرخشونت در جهت حفاظت از قوه‌ی قضاییه و قضات شریف و باسابقه کرد که بخشی از آن در کتاب **چهل سال خاطرات قضایی**، تالیف حسین شهسوارانی انعکاس دارد.

دکتر یگانه سرانجام، از زندان آزاد شد و چون خود را در معرض خطر می‌دید، با نداشتن گذرنامه از راه کردستان به زحمت فراوان به ترکیه گریخت و از آن‌جا به‌عنوان پناهنده به امریکا رفت و در آن‌جا هم در وضع بدی در ۱۳ آبان ۱۳۷۲ خودکشی کرد.

متن یادداشت (وصیت‌نامه‌ی خودنوشت) دکتر یگانه که آن را پیش از خودکشی‌اش نوشته است، این است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم. ناصر یگانه، دارای کارت «سوشیال سکيوریتی» شماره‌ی ۷۱۳۰-۹۸-۲۱۵ به‌علت ضعف شدید قوای جسمانی، کسالت‌های ممتد، غربت و تنهایی تصمیم گرفتم که به زندگانی خود و تحمل این همه مشقات خاتمه دهم. از درگاه خداوند متعال و پیامبر اکرم و ائمه‌ی طاهرين عليهم‌السلام آرزو دارم که دخترم «فاطمه یگانه» را که تنها وارث این جانب می‌باشد در کنف عنایت و مرحمت وی قرار دهد و او را به حضرت فاطمه‌ی زهرا علیها سلام می‌سپارم.» ■

تسلیت

با کمال تأسف و تأثر، درگذشت بانوی بزرگوار سرکار خانم فاطمه عربشاهی (همسر مرحوم حسن روحانی محلاتی اولین سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه و دختردایی زنده‌یاد آیت‌الله استاد سیدعلینقی امین) را به فرزندان برومند آن مادر شرافتمند آقایان دکتر علی روحانی (مقیم فرانسه)، مهندس رضا روحانی، دکتر جواد روحانی و خانم‌ها دکتر سوسن روحانی (مقیم اسپانیا)، مریم روحانی و سارا روحانی و خانواده‌های عربشاهی، روحانی، غنی، مصطفوی، سزاوار، عبدالصمدی، میثمی، قلیچ‌خانی، سیادتی و امین تسلیت می‌گوییم.

انجمن ادبی خراسانیان مقیم مرکز